



اشاره
«امثال قرآن» یکی از مباحث قابل توجه و مورد نظر علوم قرآنی است که دانشمندان پیشین و اندیشمندان معاصر درباره آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند. پای صحبت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» می‌نشینیم تا ایشان درباره «امثال قرآن» برای ما توضیح دهند.



نشستی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان

ضرورت تفکر و تدبّر در «امثال قرآن»

گفت‌وگو: نصرالله دادار

است که به‌وسیله آن، حال چیز دوم به چیز اول تشبیه می‌شود و اگر این کلمه بین مردم شایع و منتشر شود و به زبان آنان جاری گردد، مَثَل نامیده می‌شود.

امثال انواع متفاوتی دارد و برای اغراض گوناگون به کار می‌رود. اما آن‌چه در کلام رفیع و بیان فصیح قرآن آمده، برای تعقل، اندیشه، تذکر، یادآوری، پندآموزی و عبرت‌گیری است. از رسول خدا(ص) روایت کرده‌اند که فرمود: «همانا قرآن بر پنج وجه نازل شده است: حلال، حرام، محکم، متشابه و امثال. پس به حلال عمل کنید، از حرام بپرهیزید، از محکم پیروی کنید، به متشابه ایمان بیاورید و از امثال عبرت بگیرید.»

سیوطی از قول **ماوردی** می‌گوید: «از بزرگ‌ترین [بخش‌های] علوم قرآنی، دانستن امثال آن است. ولی مردم از آن غفلت دارند، چون به امثال مشغول می‌شوند و مَثَل‌ها را توجه نمی‌کنند. حال آن‌که مَثَل بدون مَثَل، هم‌چون اسب بدون لجام و شتر بدون رخام است.»

خداوند، اندیشه و تفکر در مثل‌های قرآنی را از جمله ویژگی‌های دانشمندان و اندیشمندان می‌شمارد: «وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضُرْبِهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» ما آن مثال‌ها را برای عموم مردمان می‌زنیم،

■ امثال قرآنی بخش مهمی از کلام الهی را تشکیل می‌دهند.

در آغاز بحث، معنای لغوی واژه «مَثَل» را بیان فرمایید.

□ «مَثَل» بر وزن «فَرَس» به معنای گوناگونی آمده است؛ مانند صفت، عبرت، حدیث و مَثَلِ دائر و سائر. راغب اصفهانی در «مفردات» می‌گوید: «مَثَل، عبارت از گفتاری است درباره چیزی که شبیه به سخنی درباره چیز دیگری است و به‌وسیله یکی، معنای گفتار دومی بیان و مجسم می‌شود.»

تَهَانَوی نیز می‌گوید: «مَثَل به معنی نظیر است. سپس در قول سائر (گفتار رایج) استعمال شده است که نظر و هدف اصلی مثل‌زننده را آشکار می‌کند.»

ابن عربی نیز می‌گوید: «مثال عبارت از تشابه معانی معقوله است و مَثَل عبارت از تشابه اشخاص محسوسه و برخی موارد به‌جای هم نیز به کار رفته‌اند.»

ابوهلال عسکری، صاحب کتاب «جَمهرة الامثال» می‌گوید: «هر سخن حکمت‌آمیز و جاری و معمول در میان مردم را مَثَل گویند.»

چنان‌که از مجموع این اقوال برمی‌آید، مَثَل عبارت از آن گفتاری



ولی در آن جز دانشمندان نمی‌اندیشند».

■ امثال قرآنی چه کاربرد و استفاده‌ای دارند؟

□ **زرکشی** می‌گوید: «از مثال‌هایی که در قرآن زده شده است، امور بسیاری استفاده می‌شود: تذکر و موعظه، برانگیختن و بازداشتن، پندگیری و عبرت‌آموزی، تقریر و تقریب مقصود و منظور به ذهن، تصویر معانی و مفاهیم عقلانی و غیرمحسوس به صورت محسوس، زیرا که امثال معانی را به صورت اشخاص تصویر می‌نمایند و در ذهن پایدار می‌سازند. در مواردی امثال قرآن مشتمل بر بیان تفاوت پاداش است و بر مَدْح و دَم، ثواب و عقاب و تعظیم یا تحقیر امری یا تحقق یافتن چیزی یا ابطال آن مشتمل است و خداوند فرموده است: «ضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ» و با آوردن این مثال‌ها، که متضمن این فواید است، بر ما مَنّت نهاده است».

باز سیوطی از قول **اصفهانی** می‌نویسد: «مثال زدن عرب‌ها و نظیر آوردن علما اهمیت به‌سزایی دارد که پوشیده نیست. از جهت ابراز دقایق مخفی و پرده‌برداری از حقایق، متخیل را در شکل حقیقت و پنداشته شده را به‌سان تعیین عرضه می‌کند و غایب و نامحسوس را هم‌چون دیده شده و محسوس ارائه می‌دهد. در مثل زدن، خصم سرسخت کوبیده می‌شود و نیروی ظاهری شخص گستاخ درهم می‌شکند، زیرا مثال آوردن در دل‌ها چنان تأثیر دارد که وصف شیء به تنهایی، آن تأثیر را ندارد. از همین روی خدای تعالی در قرآن و سایر کتاب‌های خویش مثال‌های بسیاری آورده است. از جمله این که در «انجیل» سوره‌ای است به نام سوره امثال. در سخنان پیامبر(ص) و در کلام پیامبران دیگر و حکما نیز مثال‌های زیادی هست».

■ مثال چه نقشی در توضیح و تفسیر مباحث گوناگون دارد؟

□ نقش مثال در توضیح و تفسیر مباحث، انکارناپذیر است. به همین دلیل در هیچ علمی برای اثبات حقایق و روشن ساختن و نزدیک‌سازی مطالب به ذهن، از ذکر مثال بی‌نیاز نیستیم. ولی مثال‌ها هم باید قبایی متناسب با قامت مطلب باشند. چرا که مثال موافق و منطبق با مقصود، مطلب را از آسمان به زمین می‌آورد و برای همگان قابل فهم می‌سازد.

■ لطفاً نمونه‌هایی از مثال‌های قرآنی را ذکر کنید که در روشن ساختن مفاهیم و ترسیم و تجسیم حالت‌های پیچیده به کار رفته است.

□ در قرآن می‌خوانیم، برخی از اهل کتاب درباره تولد **مسیح(ع)** بدون پدر، اشکال تراشی می‌کنند و می‌گویند مگر می‌شود انسان بدون پدر متولد شود؟! خداوند در جواب این اشکال تراشی می‌فرماید: **إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ** - مثل عیسی در نزد خدا،

همانند آدم است که او را از خاک آفرید (آیه ۵۹ آل عمران).

باید توجه داشت که در برابر افراد لجوج، اگر بگوییم خلقت انسان بدون پدر برای خداوند کار آسانی است، امکان دارد باز هم بهانه‌گیری کنند. ولی اگر به آنان بگوییم آیا قبول دارید که آدم - انسان نخستین - از خاک آفریده شده است؟ به سادگی می‌توانند آن را بپذیرند. آن‌گاه می‌گوییم که خداوندی که چنین قدرتی دارد، چگونه نمی‌تواند فردی را تنها از مادر بیافریند و او پدر نداشته باشد؟ با این روش به آسانی به همان هدفی می‌رسیم که آدم لجوج، نخست آن را نمی‌پذیرفت و غیرقابل تصور می‌پنداشت.

یا مثلاً به افرادی می‌گوییم در راه خدا انفاق کنید و خداوند انفاقی شما را چندین برابر پاداش می‌دهد. شاید افراد عادی نتوانند کاملاً مفهوم این سخن را درک کنند، اما قرآن این معنا را در قالب مثالی به طور واضح تبیین می‌کند و آن را برای همگان ملموس و قابل درک می‌سازد و می‌فرماید: **الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ** - مثل کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری است که در زمین افشاند می‌شود و از آن هفت خوشه می‌روید و در هر خوشه صد دانه است» (بقره/ ۲۶۱). با این مثال شنونده می‌تواند افزایش تصاعدی پاداش انفاق را تصور کند و بفهمد.

هم‌چنین قرآن برای ترسیم اضطراب درونی و سردرگمی منافقان چنین مثالی می‌زند: **أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ** * **يَكَادُ الْبَرْقُ يَحْطِفُ أَبْصَارَهُمْ كَلَّمَا أَصَابَهُمْ مَسْوَأٌ فِيهِ وَ إِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** - یا چون رگباری از آسمان که در آن تاریکی‌ها و رعد و برق است، از [ترس] آذرخش و بیم مرگ سرانگشتان خود را در گوش‌هایشان نهند، ولی خدا به کافران احاطه دارد. نزدیک است که برق چشمانشان را برباید، هرگاه که بر آنان روشنی بخشد، در آن گام زنند و چون راهشان را تاریک کند بر جای خود بایستند. و اگر خدا می‌خواست شنوایی و بینایی‌شان را برمی‌گرفت که خدا بر همه چیز تواناست (بقره/ ۱۹ و ۲۰).

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، در این آیات وصف حال منافقان هم‌چون مسافری است که در بیابان تاریکی در شب ظلمانی گرفتار رعد و برق و طوفان و باران شده است و آن‌چنان سرگردان است که ره به جایی نمی‌برد. تنها لحظه‌ای که برق می‌زند، چند قدم برمی‌دارد تا راهی بیابد، ولی به سرعت برق خاموش می‌شود و او هم‌چنان سرگردان باقی می‌ماند!

ابن عربی:
مثال عبارت از
تشابه معانی
معقوله است و
مثل عبارت از
تشابه اشخاص
محسوسه است





واقعاً برای ترسیم حال یک منافق سرگردان که می‌خواهد در جمع مؤمنین با روحیه نفاق و عمل منافقانه به زندگی خود ادامه دهد و هر لحظه دارای اضطراب رسوایی و امید کاذب پیروزی است، تعبیری زیباتر از این یافت می‌شود؟!

■ آیا امثال به کار رفته در قرآن همگی به شکل نمونه‌های قبلی‌اند و مفهوم تمثیل در آن‌ها روشن و مشخص است؟

□ خیر، امثال قرآن بر دو گونه‌اند: گونه نخست، آن‌هایی هستند که واژه مثل در آن‌ها تصریح شده یا مفهوم تمثیل در آن روشن و ظاهر است. در مقابل، گونه دوم آن‌هایی هستند که مفهوم تمثیل در آن پوشیده و مخفی است و واژه مثل نیز در آن ذکر نشده است و مفهوم مستتر در آن، با امثال سائره و جاری در لسان عموم مترادف است. نمونه‌هایی که در پاسخ سؤال قبل به آن‌ها اشاره شد امثال قرآنی از قسم اول بودند؛ همانند این آیه: **وَ الْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَا يُخْرَجُ إِلَّا نَكْدًا وَ زَمِينٍ پَاكٍ**، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن زمینی که ناپاک است، گیاهش جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید (اعراف/۵۸).

ابن ابی‌حاتم از ابن عباس درباره این آیه نقل کرده است که وی گفت: «این مثلی است که خداوند برای مؤمن و کافر زده است. مؤمن پاکیزه است و عملش هم پاکیزه است؛ هم‌چنان که سرزمین پاکیزه، میوه‌اش پاکیزه است. کافر نیز مانند زمین شوره‌زار، پلید و بی‌ثمر است و عملش هم بی‌ثمر و پلید است.»

اما برای ذکر نمونه‌هایی دیگر از امثال قرآنی که مفهوم تمثیل در آن‌ها مستتر و پوشیده است، به نقل قولی از کتاب «انتقان» سیوطی اشاره می‌کنیم. ماوردی می‌گوید: شنیدم **ابواسحاق ابراهیم‌بن مضارب** گفت از پدرم شنیدم که می‌گفت از **حسین‌بن فضل** سؤال کردم که تو امثال عرب و عجم را از قرآن برمی‌آوری، آیا در کتاب خدا مفهوم این مثل را دیده‌ای: **خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا** - بهترین امور حد وسط آن‌هاست؟

گفت: بله، در چهار جای قرآن، یکی آن‌جا که خداوند فرمود: **لَا فَارِضٌ وَ لَا يَكْفُرُ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ** - نه از کار افتاده و پیر و نه بکر و کار نکرده، بلکه میانه این دو (بقره/۶۸). دیگر این که فرمود: **«وَ الَّذِينَ لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا** - و آنان که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف نمایند و نه بخل ورزند، بلکه میان این دو خرج کنند (فرقان/۶۷). باز فرموده است: **وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ** - و دستت را به گردنت میند و آن را کاملاً از هم مگشای (اسرا/۲۹) و **بِالْآخِرَةِ** آن‌جا که می‌فرماید: **«وَ لَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَ لَا تَخَافُوهَا بِهَا وَ اتَّبِعُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا** - نه نمازت را بسیار

بلند بخوان و نه بسیار آهسته، بین این دو حد متوسطی را انتخاب کن (اسرا/۱۱۰).

پرسیدند: آیا در کتاب خدا مفهوم این مثل را نیز می‌یابی: **«مَنْ جَهِلَ شَيْئًا عَادَهُ - هر کس چیزی را نشناسد، با آن دشمنی کند»؟** گفت: بله، در دو جای قرآن: **«بَلْ كَذَّبُوا مَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ - بلکه دروغ شمردند آن‌چه را که علم بر آن نداشتند (یونس/۳۹) و دیگری: وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَمَسَّبِقُولُونَ هَذَا أَفْكَ قَدِيمٍ - و چون به قرآن هدایت نشوند، گویند این دروغی از گذشتگان است (احقاف/۱۱).**

پرسیدند: آیا در کتاب خدا مفهوم این مثل را نیز می‌یابی: **«أَخَذُوا شَرًّا مِّنْ أَحْسَنَتِ إِلَيْهِ - بپرهیز از شر کسی که به او نیکی کرده‌ای»؟** گفت: بله آن‌جا که می‌فرماید: **وَ مَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ - در پی انتقام و دشمنی نشدند، مگر پس از آن‌که خدا و رسول او از فضل خود آنان را بی‌نیاز کرد (توبه/۷۴).**

پرسیدند: آیا در کتاب خدا یافته‌ای مفهوم این مثل را: **لَيْسَ الْخَبِيرُ كَالْعَيَّانِ - شنیدن کی بود مانند دیدن»؟** گفت: بله، آن‌جا که فرموده: **قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ وَلَكِنْ لَيْطَمَنَّ قَلْبِي - خداوند فرمود: مگر ایمان نیاوردی؟ [ابراهیم] گفت: چرا، ولی برای این که دلم (با دیدن آن‌چه شنیده‌ام) مطمئن گردد (بقره/۲۶۰).**

■ آیا آیاتی در قرآن وجود دارند که به مرور زمان در میان مردم جزو امثال رایج شده باشند؟

□ بله، بعضی از آیات قرآن در کتب ادب و زبان مردم در روند مثل قرار گرفته‌اند و به صورت امثال سائر انتشار یافته و مورد استفاده قرار گرفته‌اند، از آن جمله به چند آیه اشاره می‌شود:

- **لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ** - به مقام نیکی نمی‌رسید، مگر این که از آن‌چه دوست دارید، انفاق کنید (آل عمران/۹۲).
- **الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ** - اکنون حق آشکار شد (یوسف/۵۱).
- **ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت يَدَاكَ** - این، اثر همان کارهای زشتی است که کرده‌ای (حج/۱۰).

- **لِكُلِّ نَبَأٍ مُّسْتَقَرٌّ** - هر خبری را وقت معینی است (انعام/۶۷).
- **وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ** - و فکر بد جز صاحبش را هلاک نگرداند (فاطر/۴۳).

- **وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لِّكُمْ** - و شاید چیزی را خوش ندارید و حال آن‌که برایتان خوب است (بقره/۲۶۱).

- **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ** - هر کسی در گرو کارهای خویش است (مدثر/۲۸).

- **هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ** - آیا سزای نیکی جز نیکی است؟ (رحمن/۶).

خداوند، اندیشه و تفکر در مثل‌های قرآنی را از جمله ویژگی‌های دانشمندان اندیشمندان می‌شمارد

